

ویژگی‌های هیأت مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

جمال بحری ثالث

استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارومیه، گروه حسابداری، آذربایجان غربی، ارومیه، ایران

یعقوب بهنمون

کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آذربایجانغربی، آذربایجان غربی، ارومیه، ایران

قاسم حسینزاده

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات آذربایجانغربی، چهارمحال بختیاری، شهرکرد، ایران

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۲/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۱۴

چکیده

در این پژوهش رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شده است. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر ویژگیهای هیأت مدیره بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری است. فرضیه‌های پژوهش مبتنی بر وجود رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری است. علاوه بر این بعضی از ویژگی‌های خاص شرکت همانند اندازه شرکت، اهرم مالی شرکت، سودآوری شرکت و اندازه موسسه حسابرسی به عنوان متغیر کنترلی مورد بررسی قرار گرفتند. مدل ارزیابی اهلسون (۱۹۹۵) برای بررسی رابطه بین ویژگیهای هیأت مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ویژگی‌های هیأت مدیره یعنی اندازه هیأت مدیره، استقلال هیأت مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل از رئیس هیأت مدیره و دانش مالی هیأت مدیره بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری تأثیر ندارد و ویژگی‌های هیأت مدیره از عوامل اصلی موثر بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری نیست. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین اندازه موسسه حسابرسی و سودآوری شرکت و مربوط بودن اطلاعات حسابداری رابطه معناداری وجود دارد و بین اهرم مالی شرکت و اندازه شرکت و مربوط بودن اطلاعات حسابداری رابطه معناداری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: مربوط بودن اطلاعات حسابداری، ویژگیهای هیأت مدیره.

۱- مقدمه

این پژوهش در پی بررسی تأثیر ویژگی‌های هیأت مدیره بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری است. داده‌های ترکیبی شرکتها در طی یک دوره نه ساله از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ به کار گرفته شده است.

در ضمن این پژوهش در پی دستیابی به اهداف زیر است: نخست، بررسی تأثیر اندازه هیأت مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری، دوم، بررسی رابطه بین مربوط بودن اطلاعات حسابداری و حضور مدیران غیر موظف مستقل در هیأت مدیره (استقلال هیأت مدیره)، سوم، دوگانگی نقش مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره و مربوط بودن ارزش اطلاعات حسابداری و در نهایت، بررسی تأثیر دانش مالی هیأت مدیره بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری.

ساختار کلی پژوهش حاضر به این شرح است که: در این پژوهش، نخست ادبیات مختصری از تأثیر ویژگی‌های هیأت مدیره بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری بیان می‌گردد و سپس تحقیقات مرتبط با ویژگی‌های هیأت مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری ارائه می‌گردد و پس از آن فرضیه‌های پژوهش حاضر بیان می‌گردد و در ادامه روش پژوهش و نحوه نمونه‌گیری و جامعه آماری بیان می‌شود و در نهایت به تحلیل داده‌های آماری و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در دنیای رقابتی عصر حاضر، سازمان‌ها برای رشد و پایداری خود باید به شدت تلاش نموده و از استراتژی مناسب جهت پیشرفت و حفظ بقای خود بهره‌گیری نمایند. محیط پیرامون سازمان‌ها به سرعت در حال تغییر است که از جمله این تغییرات تنوع تقاضا و نیازهای مشتریان است. محدودیت مهم دیگری که سازمان‌ها را در تنگنا قرار داده است، کمیابی و محدودیت منابع و امکانات است. با توجه به این تغییرات در عرصه دنیای کسب و کار و افزایش رقابت و نیز تنوع تقاضا و نیازهای مشتریان، ارائه اطلاعات حسابداری مالی با کیفیت برای سرمایه‌گذاران و سهامداران برای تصمیمات سرمایه‌گذاری و اعتباردهی نیز بسیار با اهمیت است.

برای سالیان متمادی در گذشته، اقتصاددانان فرض می‌کردند که تمامی گروه‌های مربوط به یک شرکت سهامی برای یک هدف مشترک فعالیت می‌کنند؛ اما در سی سال گذشته، اقتصاددانان موارد بسیاری از تضاد منافع بین گروه‌ها و چگونگی مواجهه شرکت‌ها با این‌گونه تضادها را مطرح کرده‌اند. به‌طور کلی این موارد، تحت عنوان «حاکمیت شرکتی» در حسابداری بیان می‌شود. حاکمیت شرکتی، قوانین و مقررات، ساختارها، فرآیندها، فرهنگ‌ها و سیستم‌هایی است که موجب دستیابی به هدف‌های پاسخ‌گویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذینفعان می‌شود. تأکید مبانی اولیه حاکمیت شرکتی، بیشتر بر موضوع راهبرد شرکت‌ها و حقوق سهامداران قرار داشت و بعدها با طرح دیدگاه‌های جدیدتر، به سمت توجه جدی به حقوق کلیه ذینفعان و اجتماع گرایش یافت. فروپاشی شرکت‌های بزرگی مانند انرون و ورلدکام در آمریکا توجه همگان را به نقش برجسته حاکمیت شرکتی و توجه جدی به اصول نام‌برده درمورد پیشگیری از وقوع چنین فروپاشی‌هایی جلب کرده است (هاشم‌زاده و منظرزاده، ۱۳۹۰).

نقش هیأت مدیره به عنوان یکی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، در ادبیات مرتبط با آن بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در حاکمیت شرکتی، هدف، برخورداری از یک هیأت‌مدیره مؤثر و کارا است و دستیابی به این هدف، مستلزم ارزیابی خصوصیات هیأت مدیره (به‌ویژه مطلوب) است. اثربخشی هیأت مدیره در شرایط مختلف از قبیل اندازه و ترکیب آن بیان شده است. بنابراین، رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره و عملکرد شرکت و ارزش آن و همچنین مدیریت سود، توجه محققان دانشگاهی، قانون‌گذاران و ذینفعان مختلف از جمله بازارهای مالی را به خود جلب نموده است. با این حال، فقدان پژوهش به منظور بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری وجود دارد. از این رو، این پژوهش تلاش می‌کند به بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بپردازد.

در چهار دهه گذشته نیز، سودمندی اطلاعات حسابداری یک موضوع جالب توجه بوده و توجه به آن در حال افزایش بوده است. توانایی متغیرهای حسابداری و مالی برای توضیح ارزش بازار سهام (بازده و / یا قیمت)، از زمان پژوهش بیور^۱ و بال و براون^۲ مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. می‌توان گفت که داده‌های حسابداری نیز در تغییر انتظارات استفاده‌کنندگان و در نهایت افزایش و یا کاهش قیمت بازار سهام نقش دارند. مربوط بودن اطلاعات حسابداری عبارت است از: "توانایی اعداد حسابداری برای خلاصه کردن اطلاعاتی که برای قیمت سهام اساسی هستند". بنابراین مربوطه بودن با یک رابطه آماری بین اطلاعات مالی و قیمت و بازده نشان داده می‌شود (الکدای و هنیفا، ۲۰۱۲).

در ادبیات حسابداری، در موارد بسیاری، تأکید شده است که ارائه اطلاعات حسابداری مالی با کیفیت بالا بسیار مهم است، زیرا سرمایه‌گذاران و سهامداران دیگر را در تصمیمات سرمایه‌گذاری، اعتباردهی، تصمیم‌گیری و تخصیص منابع به منظور بالابردن بهره‌وری کل بازار تحت تاثیر قرار می‌دهد. گزارشگری مالی باید کامل باشد (نوروانی^۳ و همکاران، ۲۰۱۱). مربوط بودن اطلاعات حسابداری به عنوان یکی از جنبه‌های کیفیت اطلاعات حسابداری در نظر گرفته می‌شود. با این حال، شرکت‌ها زمانی کیفیت بالای حسابداری را ارائه می‌کنند که، آنها مدیریت سود کمتر، محافظه کاری در حسابداری، مربوط بودن اطلاعات حسابداری را بیشتر مدنظر قرار دهند.

برای اینکه هیأت مدیره وظیفه خود را به نحو احسن انجام دهد، چند ویژگی در حاکمیت شرکتی پیشنهاد می‌گردد. بعضی از این ویژگیها اندازه هیأت مدیره، استقلال هیأت مدیره، دانش مالی هیأت مدیره، تعداد جلسات هیأت مدیره و دوگانگی نقش مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره هستند.

اندازه هیأت مدیره به عنوان یکی از ویژگیهای هیأت مدیره، تعداد اعضای هیأت مدیره شرکت را در بر می‌گیرد. نظرات متفاوتی در مورد اندازه هیأت مدیره وجود دارد که برخی معتقد به اثربخشی هیأت مدیره بزرگ به خاطر تجربیات گسترده اعضا و تخصصهای متنوع هیأت مدیره بزرگ هستند (زهرا و پیرس، ۱۹۸۹ و عبدالرحمان

و علی، ۲۰۰۶) در حالی که برخی نیز معتقد به اثربخشی هیأت مدیره کوچک به خاطر سهولت همکاری، ارتباط و تصمیم‌گیری هستند (فوربرس و میلیکن^۴، ۱۹۹۹).

استقلال هیأت مدیره به تعداد اعضای غیرموظف در هیأت مدیره شرکت اطلاق می‌شود. برخی از تحقیقات پیشین نشان داده‌اند که تعداد اعضای غیر موظف هیأت مدیره با اثربخشی مدیران ناظر در تهیه صورتهای مالی رابطه مثبت دارد (بیکس و همکاران، ۲۰۰۴). در حالی که برخی نیز رابطه منفی بین استقلال هیأت مدیره و عملکرد شرکت را تأیید می‌کنند (اگروال و کنوبر^۵، ۱۹۹۶).

دوگانگی نقش نیز به جدایی نقش مدیرعامل از رییس هیأت مدیره اطلاق می‌شود. با توجه به تحقیق عثمانی (۲۰۰۶) در زمانی انتظار می‌رود که هیأت مدیره اثربخش و مستقل باشد که، مدیرعامل و رییس هیأت مدیره یک سمت واحد را نداشته باشد. همچنین با توجه به تئوری نمایندگی، تسلط مدیرعامل ممکن است منجر به رفتارهای فرصت‌طلبانه شود که ثروت سهامداران را کاهش دهد (الکدای و هنیفا، ۲۰۱۲).

وجود اعضای با دانش مالی در هیأت مدیره نیز یکی از ویژگی‌های هیأت مدیره شرکت می‌باشد. مدیران باید مهارت و ویژگی‌های خاصی به ویژه در زمینه امور مالی داشته باشند. آنها باید متخصص و مجرب و در عین حال توانا باشند تا بتوانند مسئولیتهای خود را به نحو احسن انجام دهند (الکدای و هنیفا، ۲۰۱۲).

دالتون و دالتون^۶ (۲۰۰۵) در پژوهشی بیان می‌دارند که هیأت‌مدیره کوچکتر، از مزیت‌ها و منافع حاصل از نظرات و پیشنهادات تخصصی و متنوع که در هیأت‌مدیره بزرگتر وجود دارد، محروم است. به علاوه هیأت‌مدیره بزرگتر در زمینه‌هایی از قبیل تجربه، مهارت، جنسیت، ملیت و غیره مزیت دارد. ضمن آنکه هیأت‌مدیره کوچکتر از مدیران غیر موظف کمتری در ترکیب خود استفاده می‌نماید و زمان اندکی جهت ایفای وظایف تصمیم‌گیری و نظارتی خود دارد.

کایی و همکاران^۷ (۲۰۰۶) در پژوهشی دریافتند شرکت‌هایی که در آن هیأت مدیره نظارت بیشتری بر عملکرد و فعالیت‌های مدیریت اجرایی شرکت دارند،

نقش مدیر عامل از نقش رییس هیأت مدیره نسبت به سایر متغیرها تأثیر معنادارتری در کاهش مدیریت سود و کاهش ریسک شرکت‌ها دارد.

الکدای و هنیفا (۲۰۱۲) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگیهای هیأت مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری در بین ۲۷۰ شرکت در کشور مالزی در دوره زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ پرداختند و به این نتیجه رسیدند که اندازه هیأت مدیره بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری تأثیری ندارد و رابطه مثبت بین استقلال هیأت مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری وجود دارد ولی این رابطه معنی دار نیست و نیز دوگانگی نقش هیأت مدیره مربوط بودن اطلاعات حسابداری را افزایش می‌دهد. نوروش و کردلر (۱۳۸۴) در تحقیق خود تحت عنوان

« بررسی و تبیین رابطه ترکیب سهامداران با تقارن اطلاعات و سودمندی معیارهای حسابداری عملکرد» سرمایه‌گذاران نهادی را به دو دسته تقسیم می‌کند. دسته اول سرمایه‌گذارانی که انتظار سود کوتاه‌مدت داشته و اطلاعات زیادی نیاز ندارند و دسته دوم سرمایه‌گذاران نهادی که به دنبال سود بلندمدت می‌باشند و از اینرو به جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات می‌پردازند. هدف این تحقیق ارایه شواهدی در رابطه با نقش نوع دوم سرمایه‌گذاران نهادی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران است. برای انجام آزمون تجربی دو نمونه از شرکت‌های سرمایه‌پذیر انتخاب شد. نمونه اول شامل شرکت‌هایی با درجه پایینی از مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی و نمونه دوم شامل شرکت‌هایی با درجه بالایی از مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی را تشکیل می‌دهند. در مجموع ۳۲۰ سال - شرکت بعنوان نمونه و برای دوره ۱۰ ساله (۱۳۷۳ تا ۱۳۸۲) مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان داد، مورد شرکت‌های اخیر، اطلاعات بیشتری در رابطه با سودهای آتی، نسبت به مورد شرکت‌های قبلی گزارش کرده‌اند. بنابراین، عدم تقارن اطلاعاتی بیشتری در شرکت‌های سرمایه‌پذیر با درجه پائینی از سرمایه‌گذاران نهادی گروه اول مشاهده می‌شود. همچنین لازم به یادآوری است، شیوه‌های مداخله کننده‌ای نظیر اندازه، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار و اهرم مالی در این تحقیق تحت کنترل بوده‌اند.

کفایت افشای اطلاعات مالی ارتقا می‌یابد و در نتیجه تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد.

بردبوری و همکاران^۱ (۲۰۰۶) در پژوهشی به بررسی اثر ویژگی‌های هیأت مدیره و ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری پرداختند. معیار ویژگی‌های هیأت مدیره در این پژوهش شامل جدایی نقش رییس هیأت مدیره از مدیر عامل، ترکیب هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره بود. همچنین معیار کیفیت بالای گزارشگری معادل کاهش در ارقام تعهدی غیرعادی تعریف شده است. آنها در این پژوهش دریافتند صرفاً اندازه هیأت مدیره و استقلال کمیته حسابرسی با کیفیت بالای گزارشگری و یا به عبارتی کاهش در ارقام تعهدی غیرعادی رابطه معناداری دارد.

جمال‌الدین و همکاران^۱ (۲۰۰۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر اصلاحات حاکمیت شرکتی بر مربوط بودن ارزش دفتری و سود هر سهم با استفاده از مدل اهلسون در دوره زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۱ در شرکت‌های پذیرفته شده در مالزی پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که تغییرات و اصلاحات مربوط به حاکمیت شرکتی بر مربوط بودن ارزش دفتری و سود هر سهم ندارد. همچنین نتایج پژوهش آنها نشان داد که بین ترکیب هیأت مدیره و مربوط بودن ارزش دفتری و سود هر سهم رابطه وجود ندارد در حالی که دوگانگی نقش مدیرعامل و هیأت مدیره مربوط بودن ارزش دفتری و سود هر سهم را بهبود می‌بخشد.

عبدالرحمان و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی بر روی ۲۹۸ شرکت پذیرفته در بازار بورس مالزی طی سال‌های ۲۰۰۳ الی ۲۰۰۹، به بررسی اثر ویژگی‌های هیأت مدیره بر مدیریت سود و ریسک شرکت‌ها پرداختند. معیار ویژگی‌های هیأت مدیره در این پژوهش شامل دانش مالی هیأت مدیره، تعداد جلسات هیأت مدیره، جدایی نقش رییس هیأت مدیره از مدیر عامل، ترکیب هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره بود. همچنین معیار مدیریت سود معادل دستکاری در ارقام تعهدی اختیاری تعریف شده است. آنها در این پژوهش دریافتند به طور کلی ویژگی‌های هیأت مدیره نقش معناداری در کاهش مدیریت سود دارد. آنها همچنین دریافتند متغیر دوگانگی

اوراق بهادار تهران پرداخت. برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از معیارعدم تقارن زمانی باسو (۱۹۹۷) استفاده شد. از بین ویژگیهای هیأت مدیره، به بررسی درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره و درصد مالکیت مدیران غیر موظف به عنوان متغیرهای مستقل پرداخته شد. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از رگرسیون خطی ساده استفاده گردید. یافته‌ها این پژوهشگران حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین درصد مالکیت اعضای هیأت مدیره و محافظه‌کاری و نیز رابطه منفی و معنادار بین نسبت اعضای غیر موظف هیأت مدیره و محافظه‌کاری بود.

نیکبخت و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیأت مدیره (شامل اندازه هیأت مدیره، نسبت اعضای غیر موظف در ترکیب هیأت مدیره تعداد جلسات هیأت مدیره، دانش مالی اعضای هیأت مدیره و جدایی نقش مدیرعامل از رئیس هیأت مدیره) بر عملکرد شرکت پرداختند. در این پژوهش، رتبه عملکرد شرکتها بر اساس ۵ عامل رشد درآمد، رشد سودعملیاتی، رشد سود خالص، بازده دارائیهها و بازده حقوق صاحبان سهام محاسبه شده است. با توجه به تحقیقات قبلی، اندازه شرکت و اهرم مالی نیز به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده است. براین اساس، اطلاعات مورد نیاز تحقیق از ۷۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۷ استخراج و از آزمون تحلیل رگرسیون استفاده گردید. نتایج پژوهش این پژوهشگران نشان داد که هیأت‌مدیره در بازار سرمایه ایران به صورت کارا به وظایف خود در جهت کاهش مشکلات نمایندگی عمل ننموده و اثر با اهمیتی بر عملکرد شرکت ندارد.

عرب صالحی و ضیایی (۱۳۸۹) در پژوهشی تحت عنوان ارتباط بین نظام راهبری و کیفیت سود به بررسی ارتباط بین کیفیت سود و برخی از ویژگی‌های هیأت مدیره پرداختند. این ویژگی‌ها شامل تفکیک پست مدیر عاملی و ریاست هیأت مدیره، تعداد اعضای غیر موظف هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره می باشند. در این پژوهش، کیفیت سود بر اساس رابطه بین سود، اقلام تعهدی و وجه نقد و با معیار نسبت وجه نقد حاصل از

قالیباف اصل و رضایی (۱۳۸۷) در پژوهشی به بررسی اثر ترکیب هیأت مدیره بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، طی دوره زمانی ۱۳۸۲-۱۳۸۴ پرداخته اند. نسبت اعضای غیرموظف در هیأت مدیره، به عنوان متغیر مستقل، معیار ترکیب هیأت مدیره بود، و عملکرد شرکت به عنوان متغیر وابسته از طریق معیارهای نرخ بازده حقوق صاحبان سهام، حاشیه سود خالص، حاشیه سود ناخالص، متوسط رشد فروش و متوسط رشد سود خالص اندازه گیری شد. نتایج آزمونها نشان داد که بین نسبت اعضای غیرموظف و هیچ یک از معیارهای عملکرد، رابطه معناداری وجود ندارد.

آقایی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی رابطه بین ویژگیهای حاکمیت شرکت (تمرکز مالکیت، مالکیت نهادی، نفوذ مدیرعامل، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، اندازه هیات مدیره، استقلال هیات مدیره، اتکای بر بدهی و مدت زمان تصدی مدیرعامل در هیات مدیره) و محتوای اطلاعاتی سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای پرداختند. این پژوهشگران برای آزمون فرضیه‌ها از مدل رگرسیون خطی چند متغیره به روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده کردند. یافته‌های پژوهش آنها نشان میدهد رابطه مالکیت نهادی و استقلال هیات مدیره با محتوای اطلاعاتی سود در شرکتهای با انگیزه مدیریت سود بالا قویتر از شرکتهای با انگیزه مدیریت سود پایین می باشد. همچنین از نظر سهامداران سایر ویژگیهای حاکمیت شرکتی (تمرکز مالکیت، نفوذ مدیرعامل، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، اندازه هیات مدیره، اتکای بر بدهی و مدت زمان تصدی مدیرعامل در هیات مدیره) تأثیری در بهبود محتوای اطلاعاتی سود چه در زمان وجود انگیزه مدیریت سود بالا و چه در زمان وجود انگیزه مدیریت سود پایین ندارند.

حسینی (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی رابطه ترکیب هیأت مدیره و درصد مالکیت مدیران غیر موظف هیأت مدیره با محافظه‌کاری در حسابداری پرداخت. او در این تحقیق با استفاده از اطلاعات ۷۲ شرکت در فاصله زمانی ۱۳۸۲-۱۳۸۵ به بررسی اثر ویژگیهای هیأت مدیره بر میزان محافظه‌کاری، در شرکتهای پذیرفته شده در بورس

- دوره مالی شرکت باید منتهی به ماه اسفند باشند و در طی دوره‌ی پژوهش سال مالی خود را تغییر نداده باشند.
 - وقفه‌ی معاملاتی بیش‌تر از ۳ ماه نباشد.
- با اعمال شرایط فوق تعداد ۷۱ شرکت به عنوان نمونه آماری مشخص گردیدند.

در این پژوهش با توجه به نوع داده‌ها و روش‌های تجزیه و تحلیل آماری موجود، از روش «داده‌های ترکیبی» استفاده شد؛ زیرا به‌منظور بررسی رابطه‌ی خصوصیات هیأت‌مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری، متغیرهای مستقل و وابسته از دو جنبه متفاوت بررسی می‌شوند. از یک سو، این متغیرها میان شرکت‌های مختلف و از سوی دیگر، طی دوره‌ی زمانی ۱۳۸۲-۱۳۹۰ آزمون می‌شوند. به منظور بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیأت‌مدیره به عنوان متغیر مستقل و مربوط بودن اطلاعات حسابداری به عنوان متغیر وابسته از مدل اهلسون^۱ (۱۹۹۵) که معادله‌ای از عایدی و ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام است مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در این پژوهش، سه معادله برای آزمون فرضیه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند که به شرح زیر است:

$$(1) \quad MP_{it} = \beta_0 + \beta_1(EPSt_{it}) + \beta_2(BVP_{it}) + \beta_3(BS_{it}) + \beta_4(BI_{it}) + \beta_5(CEO du_{it}) + \beta_6(BCOMP_{it}) + \square_{it}$$

$$(2) \quad MP_{it} = \beta_0 + \beta_1(BVP_{it}) + \beta_2(EPSt_{it}) + \beta_3(BS_{it}) + \beta_4(BI_{it}) + \beta_5(CEO du_{it}) + \beta_6(BCOMP_{it}) + \beta_7(LOGTA_{it}) + \beta_8(LEV_{it}) + \beta_9(COPRO_{it}) + \beta_{10}(AUDBIG_{it}) + \square_{it}$$

$$(3) \quad MP_{it} = \beta_0 + \beta_1(BVP_{it}) + \beta_2(EPSt_{it}) + \beta_3(BS_{it}) + \beta_4(BI_{it}) + \beta_5(CEO du_{it}) + \beta_6(BCOMP_{it}) + \beta_7(LOGTA_{it}) + \beta_8(LEV_{it}) + \beta_9(COPRO_{it}) + \beta_{10}(AUDBIG_{it}) + \beta_{11}(BVP * BS_{it}) + \beta_{12}(BVP * BI_{it}) + \beta_{13}(BVP * CEO du_{it}) + \beta_{14}(BVP * BCOMP_{it}) + \beta_{15}(BVP * LOGTA_{it}) + \beta_{16}(BVP * LEV_{it}) + \beta_{17}(BVP * COPRO_{it}) + \beta_{18}(BVP * AUDBIG_{it}) + \beta_{19}(EPS * BS_{it}) + \beta_{20}(EPS * BI_{it}) + \beta_{21}(EPS * CEO du_{it}) + \beta_{22}(EPS * BCOMP_{it}) + \beta_{23}(EPS * LOGTA_{it}) + \beta_{24}(EPS * LEV_{it}) + \beta_{25}(EPS * COPRO_{it}) + \beta_{26}(EPS * AUDBIG_{it}) + \square_{it}$$

MP_{it} : قیمت سهام شرکت i در آخر سال

$EPSt_{it}$: قیمت سهام شرکت i در سال t

BVP_{it} : ارزش دفتری هر سهم شرکت i در سال t

BS : اندازه هیأت‌مدیره

فعالیت‌های عملیاتی به سود عملیاتی سنجیده شده است. آنها با پژوهش بر روی ۱۵۶ شرکت بورسی در دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ دریافتند بین کیفیت سود با تفکیک پست مدیر عاملی و ریاست هیأت‌مدیره رابطه‌ی ای وجود ندارد. اما بین کیفیت سود با نسبت اعضای غیر موظف هیأت‌مدیره و اندازه هیأت‌مدیره شرکت رابطه وجود دارد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

در این تحقیق به منظور توان توضیح دهندگی یک متغیر نسبت به تعدادی دیگر از متغیرها بایستی رابطه و همبستگی بین آنها مورد بررسی قرار گیرد تا در صورت وجود همبستگی جهت و میزان تغییر در متغیری بواسطه تغییر در متغیرهای دیگر مشخص گردد. روش این پژوهش سنجش همبستگی و رگرسیون چند متغیره می‌باشد. رگرسیون مورد استفاده در این پژوهش رگرسیون ترکیبی می‌باشد که داده‌های مقطعی و سری زمانی را با هم ترکیب می‌کند. این پژوهش از نظر نوع تحقیق کاربردی می‌باشد.

در این پژوهش برای جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات، ابتدا از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. در بخش کتابخانه‌ای، مبانی نظری پژوهش از کتب و مجله‌های تخصصی فارسی و لاتین جمع‌آوری شد سپس داده‌های پژوهش، از طریق جمع‌آوری داده‌های شرکت‌های منتخب با مراجعه به صورت‌های مالی حسابرسی‌شده، گزارش سالیانه هیأت‌مدیره به مجمع، گزارش فعالیت شرکت، ماهنامه بورس اوراق بهادار و سایت کدال و با استفاده از نرم‌افزار ره‌آورد نوین انجام می‌شود.

جامعه آماری متشکل از تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۰ می‌باشد. روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک می‌باشد با اعمال شرایط زیر نمونه آماری مشخص گردید:

- شرکت‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها و بیمه‌ها با توجه به ویژگی‌های خاص از جامعه آماری پژوهش حذف شده‌اند.

اندازه هیأت مدیره: برابر با تعداد اعضای هیأت مدیره شرکت.

استقلال هیأت مدیره: تعداد اعضای غیر موظف در هیأت مدیره شرکت.

دانش مالی هیأت مدیره: در صورت حضور اعضای با مدرک دکترا و یا مدرک مالی در شرکت به آن متغیر مصنوعی ۱ و در غیر اینصورت ۰ داده می‌شود.

جدایی نقش مدیرعامل از رئیس هیأت مدیره: در صورتی که مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره یک نفر باشد متغیر مصنوعی ۱ و در غیر اینصورت ۰ اختیار می‌کند.

متغیرهای کنترلی:

اندازه شرکت: در این پژوهش لگاریتم دارایی‌های شرکت به عنوان پروکسی اندازه شرکت مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اهرم مالی: نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها که در بیشتر پژوهشات به کار می‌رود در این پژوهش نیز به عنوان ابزاری برای اندازه‌گیری اهرم مالی به کار می‌رود.

سودآوری شرکت: بازده دارایی به عنوان پروکسی سودآوری شرکت به کار می‌رود.

اندازه موسسه حسابرسی: که برای تعیین آن از ۰ و ۱ استفاده می‌شود که اگر توسط سازمان حسابرسی مورد حسابرسی قرار گیرد عدد ۱ و در غیر اینصورت از عدد ۰ استفاده می‌شود.

۶- یافته‌های پژوهش

جدول ۱ نتایج آمار توصیفی را ارائه می‌کند که با توجه به جدول مشاهده می‌گردد که میانگین اندازه هیأت مدیره ۵.۱۷ و میانگین اعضای غیر موظف ۳.۳۳ می‌باشد که بیانگر این نکته هستند که به طور متوسط ۶۴ درصد از اعضای هیأت مدیره در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را اعضای غیر موظف تشکیل می‌دهد و توازن بین اعضای موظف و غیرموظف برقرار نیست و بیشتر اعضای هیأت مدیره را اعضای غیرموظف تشکیل می‌دهد. حداکثر تعداد اعضای هیأت مدیره ۷ نفر و حداقل ۳ نفر است. همچنین با توجه به متغیر دوگانگی نقش مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره مشخص می‌گردد

BI: استقلال هیأت مدیره

CEOdu: جدایی نقش مدیرعامل از رئیس هیأت مدیره

BCOMP: دانش مالی هیأت مدیره

۴- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری پژوهش، این پژوهش دارای ۴ فرضیه به شرح زیر است:

(۱) رابطه معنی‌دار بین اندازه هیأت مدیره (تعداد اعضای هیأت مدیره) و مربوط بودن اطلاعات حسابداری وجود دارد.

(۲) رابطه معنی‌دار بین استقلال هیأت مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری وجود دارد.

(۳) رابطه معنی‌دار بین دانش مالی هیأت مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری وجود دارد.

(۴) رابطه معنی‌دار بین دوگانگی نقش مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری وجود دارد.

۵- متغیرهای پژوهش و نحوه اندازه‌گیری آن

در این پژوهش متغیر وابسته ارزش بازار هر سهم و متغیرهای مستقل سود هر سهم، ارزش دفتری هر سهم، اندازه هیأت مدیره، استقلال هیأت مدیره، جدایی نقش مدیرعامل از رئیس هیأت مدیره و دانش مالی هیأت مدیره می‌باشد. متغیرهای کنترلی پژوهش نیز اندازه موسسه حسابرسی، اندازه شرکت، سودآوری شرکت و اهرم مالی شرکت می‌باشند.

تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش به شرح زیر است:

متغیر وابسته:

ارزش بازار هر سهم: برابر است با حاصل تقسیم ارزش بازار شرکت در آخر سال بر تعداد سهام شرکت.

متغیرهای مستقل:

سود هر سهم: برابر با حاصل تقسیم سود خالص شرکت در آخر سال بر تعداد سهام شرکت.

ارزش دفتری هر سهم: برابر است با حاصل تقسیم ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام در آخر سال بر تعداد سهام شرکت.

که در ۱۸ درصد از هیأت مدیره شرکت‌های بورسی که به طور متوسط ۷۳ درصد از هیأت مدیره‌ها حداقل مدیرعامل، سمت رئیس هیأت مدیره را بر عهده دارد. در دارای یک عضو با مدرک دکترا و یا دارای مدرک مالی می‌باشد. ضمن بررسی متغیر دانش مالی هیأت مدیره نیز نشان داد

جدول ۱- آمار توصیفی

ارزش بازار	لگاریتم دارایی	اهرم مالی	سود هر سهم	سودآوری شرکت	ارزش دفتری هر سهم	اندازه هیأت مدیره	استقلال هیأت مدیره	دوگانگی نقش	دانش مالی	موسسه حسابرسی	میانگین
6372.48	5.71	0.73	649.81	0.11	1363.78	5.17	3.33	0.18	0.74	0.21	0.21
3119	5.67	0.68	494.48	0.09	1309.83	5	3	0.00	1.00	0.00	0.00
92502	7.28	3.64	7211.17	0.87	10113.39	7	6	1	1	1	1
277	3.37	0.12	-3721.30	-0.59	-4606.78	3	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00
639	639	639	639	639	639	639	639	639	639	639	639

جدول ۲: مدل ۱ و ۲ پژوهش

مدل ۱ پژوهش				
$MP_{it} = \beta_0 + \beta_1(BVP_{it}) + \beta_2(EPS_{it}) + \beta_3(BS_{it}) + \beta_4(BI_{it}) + \beta_5(CEOdu_{it}) + \beta_6(BCOMP_{it}) + \epsilon_{it}$				
P value	T	خطای استاندارد	ضریب بتا	نام متغیر
0.0291	2.187665	3824.874	8367.544	ضریب ثابت (C)
0.0000	17.34930	0.311222	5.399492	سود هر سهم (EPS)
0.1417	-1.471201	0.336325	-0.494801	ارزش دفتری هر سهم (BVP)
0.3295	-0.975884	758.8990	-740.5973	اندازه هیأت مدیره (BS)
0.4858	-0.697352	384.4139	-268.0719	استقلال هیأت مدیره (BI)
0.6040	0.518937	956.3904	496.3066	دوگانگی نقش مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره (CEOdu)
0.8063	-0.245323	923.3149	-226.5103	دانش مالی هیأت مدیره (BCOMP)
آماره دوربین واتسون	معناداری آماره F	آماره F	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین
2.029405	0.000000	108.5435	0.541662	0.546699
مدل ۲ پژوهش				
$MP_{it} = \beta_0 + \beta_1(BVP_{it}) + \beta_2(EPS_{it}) + \beta_3(BS_{it}) + \beta_4(BI_{it}) + \beta_5(CEOdu_{it}) + \beta_6(BCOMP_{it}) + \beta_7(LOGTA_{it}) + \beta_8(LEV_{it}) + \beta_9(COPRO_{it}) + \beta_{10}(AUDBIG_{it}) + \epsilon_{it}$				
P value	T	خطای استاندارد	ضریب بتا	نام متغیر
0.2545	1.140498	5019.671	5724.926	ضریب ثابت (C)
0.0114	2.536681	0.345615	0.876716	سود هر سهم (EPS)
0.0000	13.81632	0.411458	5.684838	ارزش دفتری هر سهم (BVP)
0.9719	0.035211	709.8250	24.99352	اندازه هیأت مدیره (BS)
0.7839	-0.274422	359.4067	-98.62918	استقلال هیأت مدیره (BI)
0.5125	0.655279	898.6246	588.8499	دوگانگی نقش مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره (CEOdu)
0.9764	-0.029595	867.0221	-25.65951	دانش مالی هیأت مدیره (BCOMP)
0.0004	-3.560037	661.6275	-2355.418	لگاریتم مجموع دارایی (LOGTA)
0.0000	8.934353	1277.772	11416.06	اهرم مالی (LEV)
0.0042	2.870262	3111.147	8929.806	سودآوری شرکت (COPRO)
0.7372	0.335772	911.0010	305.8884	اندازه موسسه حسابرسی (AUDBIG)
آماره دوربین واتسون	معناداری آماره F	آماره F	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین
2.043444	0.000000	86.86403	0.597219	0.604174

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول ۳: مدل ۳ پژوهش

$MP_{it} = \beta_0 + \beta_1(BVP_{it}) + \beta_2(EPSt_{it}) + \beta_3(BS_{it}) + \beta_4(BI_{it}) + \beta_5(CEODU_{it}) + \beta_6(BCOMP_{it}) + \beta_7(LOGTA_{it}) + \beta_8(LEV_{it}) + \beta_9(COPRO_{it}) + \beta_{10}(AUDBIG_{it}) + \beta_{11}(BVP * BS_{it}) + \beta_{12}(BVP * BI_{it}) + \beta_{13}(BVP * CEODU_{it}) + \beta_{14}(BVP * BCOMP_{it}) + \beta_{15}(BVP * LOGTA_{it}) + \beta_{16}(BVP * LEV_{it}) + \beta_{17}(BVP * COPRO_{it}) + \beta_{18}(BVP * AUDBIG_{it}) + \beta_{19}(EPS * BS_{it}) + \beta_{20}(EPS * BI_{it}) + \beta_{21}(EPS * CEODU_{it}) + \beta_{22}(EPS * BCOMP_{it}) + \beta_{23}(EPS * LOGTA_{it}) + \beta_{24}(EPS * LEV_{it}) + \beta_{25}(EPS * COPRO_{it}) + \beta_{26}(EPS * AUDBIG_{it}) + \epsilon_{it}$				
P value	T	خطای استاندارد	ضریب بتا	نام متغیر
.094	-1.675	6469.187		ضریب ثابت (C)
.000	3.568	3.111	1.356	سود هر سهم (EPS)
.930	-.088	4.484	-.045	ارزش دفتری هر سهم (BVP)
.067	1.834	964.445	.091	اندازه هیأت مدیره (BS)
.838	-.204	586.400	-.012	استقلال هیأت مدیره (BI)
.552	-.595	1832.661	-.040	دوگانگی نقش مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره (CEODU)
.883	-.147	956.062	-.006	دانش مالی هیأت مدیره (BCOMP)
.014	-2.473	490.709	-.071	لگاریتم مجموع دارایی (LOGTA)
.000	6.947	1228.287	.343	اهرم مالی (LEV)
.037	-2.093	2872.152	-.102	سودآوری شرکت (COPRO)
.899	-.127	910.085	-.004	اندازه موسسه حسابرسی (AUDBIG)
.676	-.418	848.526	-.021	(BS*EPS)
.004	-2.881	.261	-.332	(BI*EPS)
.052	-1.947	.642	-.145	(BCOMP*EPS)
.005	-2.804	.534	-.091	(BDUAL*EPS)
.000	-4.336	.513	-.142	(AUDBIG*EPS)
.000	12.840	1.253	.792	(COPRO*EPS)
.000	8.474	.708	.987	(LEV*EPS)
.001	-3.202	.509	-1.158	(LOGTA*EPS)
.063	-1.860	.501	-.564	(BS*BVP)
.189	1.315	.393	.225	(BI*BVP)
.379	.881	.573	.057	(BCOMP*BVP)
.311	1.013	1.240	.070	(BDUAL*BVP)
.002	3.151	.608	.131	(AUDBIG*BVP)
.001	3.386	2.229	.236	(COPRO*BVP)
.289	1.061	.648	.133	(LEV*BVP)
.518	.647	.644	.284	(LOGTA*BVP)
	معناداری آماره F	آماره F	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین
1.523	.000	58.636	.693	.705

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۵۴ درصد در مدل ۱ به ۶۰ درصد در مدل ۲ افزایش یافته است که تأثیر متغیرهای کنترلی بر متغیر وابسته را نشان می‌دهد. مقدار ضریب تعیین در مدل ۳ نیز به ۷۰ درصد افزایش یافته است که مبین این مطلب است که افزودن متغیرهای تعاملی توانایی توضیح مدل را افزایش

با توجه به جدول ۲ و ۳ پژوهش و با مقایسه ضریب تعیین (R^2) مشخص می‌گردد که ضریب تعیین در مدل ۳ ($R^2=0.705$) نسبت به مدل ۱ ($R^2=0.546699$) و ۲ ($R^2=0.604174$) افزایش یافته است. نخست در مدل ۲ با افزودن متغیرهای کنترلی مقدار ضریب تعیین از مقدار

مالی) نشده است و این امر مبین این است که تجربه و تخصص اعضای هیأت مدیره و نیز نحوه مشارکت و همکاری اعضا در زمینه ارائه اطلاعات با کیفیت برای استفاده کنندگان از صورت‌های مالی موثر نیست.

فرضیه دوم مبنی بر این است که استقلال هیأت مدیره مربوط بودن اطلاعات حسابداری را افزایش می‌دهد. برای بررسی تأثیر استقلال هیأت مدیره بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری، از متغیرهای تعاملی (BI*BVP و BI*EPS) با توجه به پژوهشات مربوطه استفاده برده است که اگر استقلال هیأت مدیره بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری تأثیر مثبتی داشته باشد باید ضریب متغیرهای تعاملی مثبت و معنی‌دار باشد. نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که ضریب متغیر تعاملی BI*EPS مثبت و معنی‌دار (P=0.004) است ولی ضریب متغیر تعاملی BI*BVP مثبت و معنی‌دار نیست. و این نتیجه بیانگر این است که استقلال هیأت مدیره از عوامل اصلی موثر بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری نیست. همچنین علیرغم اینکه اعضای غیرموظف می‌توانند نقش بسیار مهمی را در تصمیمات هیأت مدیره ایفا کنند، نتیجه این فرضیه نشان می‌دهد که اعضای غیرموظف هیأت مدیره در تصمیم‌گیریهای شرکت نقش فعالی را نداشته و به کار گماردن اعضای غیرموظف در هیأت مدیره، به هیأت مدیره در زمینه کنترل شرکت و بالاخص ارائه اطلاعات مربوط حسابداری، کارساز نبوده است.

فرضیه سوم بیان می‌دارد که جدایی نقش مدیرعامل از رئیس هیأت مدیره می‌تواند مربوط بودن اطلاعات حسابداری را افزایش دهد. با توجه به جدول مشاهده می‌شود که ضریب متغیر تعاملی BDUAL*EPS منفی و از لحاظ آماری معنی‌دار است ولی ضریب متغیر تعاملی BDUAL*BVP مثبت بوده ولی از لحاظ آماری معنی‌دار نیست. در کل، با توجه به این نتیجه مشخص می‌گردد که دوگانگی نقش مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره یکی از عوامل اصلی موثر بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری نیست. از طرفی نتیجه این فرضیه نشان می‌دهد که دوگانگی نقش مدیرعامل و رییس هیأت مدیره در کنترل و مدیریت شرکت و نیز افزایش ثروت سهامداران نقش نداشته که یکی از دلایل آن، این است که اطلاعات

داده است. با توجه به نتایج آماره F در سه مدل مشاهده می‌گردد که هر سه مدل رگرسیونی معنی‌دار می‌باشند (P=0.000). همچنین با توجه به آماره دوربین و اتسون در مدل ۱ (DW=۲.۰۲) و مدل ۲ (DW=۲.۰۴) و مدل ۳ (DW=۱.۵۲) مشخص می‌گردد که آماره دوربین و اتسون بین ۱.۵ تا ۲.۵ می‌باشد و جملات خطا در هر سه مدل فاقد خود همبستگی می‌باشند.

برای تأثیر ویژگیهای حاکمیت شرکتی بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری متغیرهای تعاملی^{۱۱} در پژوهشهای مرتبط با آن مورد استفاده قرار گرفته است (حبیب و عظیم^{۱۲}، ۲۰۰۸، رانی^{۱۳}، ۲۰۱۱، الکدای و هنیفا، ۲۰۱۲). متغیرهای تعاملی از حاضرب ویژگیهای هیأت مدیره بر متغیرهای سود هر سهم و ارزش دفتری هر سهم بدست می‌آیند. در صورتی که تأثیر ویژگیهای هیأت مدیره بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری زیاد باشد انتظار می‌رود که ضریب متغیرهای استقلال هیأت مدیره و ارزش دفتری هر سهم (BI*BVP)، دانش مالی و ارزش دفتری هر سهم (MB*BVP) و نیز استقلال هیأت مدیره و سود هر سهم (BI*EPS) مثبت و معنی‌دار باشد. از طرفی انتظار می‌رود که ضریب اندازه هیأت مدیره و ارزش دفتری هر سهم (BS*BVP)، استقلال هیأت مدیره و سود هر سهم (BS*EPS) و دوگانگی نقش مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره و ارزش دفتری هر سهم (CEODU*BVP) و نیز دوگانگی نقش مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره و سود هر سهم (CEODU*EPS) مثبت و معنی‌دار باشد.

جدول ۳ نتایج حاصل از تحلیل مدل کلی رگرسیون را نشان می‌دهد. فرضیه اول مبنی بر این است که هیأت مدیره بزرگ مربوط بودن اطلاعات حسابداری را کاهش می‌دهد. با توجه به نتایج جدول مشاهده می‌گردد که ضریب BS*BVP و BS*EPS منفی بوده و از لحاظ آماری (سطح اطمینان ۹۵ درصد) معنی‌دار نیست. این نتیجه حاکی از آن است که اندازه هیأت مدیره یکی از فاکتورهای با اهمیت تأثیرگذار بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری نیست و هیأت مدیره بزرگ در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران موجب تقویت رابطه بین شرکت و محیط (استفاده کنندگان از صورت‌های

آماري معنی دار می‌باشد. همچنین با توجه ضریب تعیین در مدل (0.705) ، قدرت بالای مدل را نشان می‌دهد که بیانگر این است که با فرض ثبات سایر عوامل ۷۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط این مدل مشخص می‌گردد.

۷- نتیجه‌گیری و بحث

در این پژوهش رابطه بین ویژگیهای هیأت مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از مدل اهلسون مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیات نشان می‌دهد که بین ویژگیهای هیأت مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود ندارد و ویژگیهای هیأت مدیره یعنی استقلال هیأت مدیره، جدایی نقش مدیر عامل از رئیس هیأت مدیره، دانش مالی هیأت مدیره و نیز اندازه هیأت مدیره از عوامل اصلی موثر بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری نیستند و این نتایج پژوهش با نتایج پژوهش یرماک (۱۹۹۶) و الکدای و هنیفا (۲۰۱۲) مشابه می‌باشد. همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای کنترلی اندازه موسسه حسابداری و سودآوری شرکت رابطه معناداری با مربوط بودن اطلاعات حسابداری دارند و بین متغیرهای کنترلی اندازه شرکت و اهرم مالی شرکت رابطه معناداری وجود ندارد این نتیجه با نتیجه پژوهش حبیب و عظیم (۲۰۰۸) در کشور استرالیا مطابق می‌باشد. در سایر موارد امکان مقایسه نتایج وجود ندارد.

نتایج پژوهش با توجه به محدودیت‌های زیر قابل تامل است:

- با توجه به اینکه اطلاعات مربوط به هیأت مدیره از گزارش سالانه هیأت مدیره به مجمع عمومی صاحبان سهام استخراج گردیده است، یکسان نبودن شکل این گزارش برای همه شرکت‌ها، دسترسی سریع به اطلاعات را با مشکل مواجه می‌کرد.
- متفاوت بودن برخی از اعداد و متغیرهای مالی در بانکهای اطلاعاتی مورد استفاده نیز از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود.

حسابداری با کیفیت برای استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی (سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و...) جهت تصمیم‌گیری ارائه نگردیده است.

فرضیه چهارم نیز حاکی از این است که دانش مالی هیأت مدیره مربوط بودن اطلاعات حسابداری را افزایش می‌دهد. با توجه به جدول ۳ مشخص می‌گردد که ضریب متغیر تعاملی $BCOMP*EPS$ منفی بوده و از لحاظ آماری (سطح اطمینان ۹۵ درصد) معنی دار نیست. همچنین ضریب متغیر تعاملی $BCOMP*BVP$ مثبت بوده و از لحاظ آماری معنی دار نیست. در کل دانش مالی هیأت مدیره از عوامل اصلی موثر بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری نیست. نتیجه این فرضیه نیز مبین این مطلب است که دانش و تخصص مالی در هیأت مدیره شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در زمینه ارائه اطلاعات حسابداری مربوط کارساز نبوده و حضور اعضای مجرب و متخصص در هیأت مدیره اطلاعات حسابداری مربوط برای استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی را فراهم ننموده است. همچنین با توجه به جدول ۳ مشاهده می‌گردد که از میان متغیرهای کنترلی نیز، فقط متغیرهای اندازه موسسه حسابداری و نیز سودآوری شرکت از عوامل اصلی موثر بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری می‌باشند. این بدین معنی نیست که شرکت‌های بزرگ اطلاعات حسابداری مربوط تری را ارائه می‌کنند، بلکه به این معنی می‌باشد که مربوط بودن اطلاعات حسابداری بیشتر به قیمت بازار سهام شرکت‌ها بستگی داشته و یا این احتمال وجود دارد که این شرکت‌ها سودآور باشند تا اینکه مربوط بودن اطلاعات حسابداری به مکانیزم حاکمیت شرکتی خوب برای کاهش دستکاری سود و یا محافظه‌کاری حسابداری بستگی داشته باشد. با این وجود اهرم مالی شرکت رابطه معنی‌داری با مربوط بودن اطلاعات حسابداری ندارد. با توجه به نتیجه این پژوهش، احتمال می‌رود که شرکت‌های با اهرم مالی بالا، مدیریت سود انجام دهند و اطلاعات مربوط به سود در مقایسه با بازار با توجه به اهرم مالی بالای شرکت، موثق نمی‌باشد. همچنین با توجه به متغیر اندازه موسسه حسابداری مشاهده می‌شود که اندازه موسسه حسابداری بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری موثر بوده و این رابطه از لحاظ

شرکت های پذیرفته شده در بازار اوراق بهادار تهران. "فصلنامه حسابداری مالی. ش ۵.
 (۶) ۶- قالبیاف اصل، حسن و رضایی، فاطمه. (۱۳۸۷).
 "بررسی اثر ترکیب هیئت مدیره بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بازار اوراق بهادار تهران".
 فصلنامه تحقیقات مالی. ش ۲۳.

(۷) ۷- نیک بخت، محمدرضا، سیدی، سید عزیز و هاشم الحسینی، روزبه. (۱۳۸۹). "بررسی اثر ویژگی های هیئت مدیره بر عملکرد شرکت. "مجله پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز. ش ۵۸.

- 8) Alkdai, H.K.H. & Hanefah M. M.(2012) "Board Of Director's Characteristics and Value Relevance Of Accounting Information In Malaysian Shariah-Compliant Companies: A panel data analysis" Economics and Finance Review Vol. 2(6) pp. 31 – 44.
- 9) Abdul Rahman ,R, &Wan Wan, M, Zaki Nik S.(2011) " A Panel Data Analysis On The Effects Of Independent Directors Characteristics, Ethnicity And The Level Of Risks On Discretionary Accruals In Malaysian Manufacturing Companies .AFAANZ Conference.
- 10) Abdul Rahman, Rashidah and Ali, Fairuzana Haneem. (2006). "Board, audit committee, culture and earnings management: Malaysian evidence" Managerial Auditing Journal. 21(7): 783-804.
- 11) Agrawal, A. and Knoeber, C.R. (1996) " Firm Performance and Mechanisms to Control Agency Problems Between Manager and Shareholders" Journal of Financial and Quantitative Analysis, Vol. 31: 377-389.
- 12) Beekes, W., Pope, P., Young, S. (2004), The link between earnings timeliness, earnings conservatism and board composition: Evidence from the UK, Corporate Governance: An International Review. 12(1): 47-59.
- 13) Bradbury, M., Mark, Y. T., & Tan, S. M. (2006). "Board characteristics, audit committee characteristics and abnormal accruals" Pacific Accounting Review, 18(2), pp. 47-68.
- 14) Cai, Jie and Liu, Yixin and Qian, Yiming. (۲۰۰۸). "Information Asymmetry and Corporate Governance" available at: <http://ssrn.com>.
- 15) Dalton, C. M. & Dalton, D. R. (2005). "Boards of Directors: Utilizing Empirical Evidence in

پیشنهادهای حاصل از پژوهش به شرح زیر ارائه می‌گردد:
 ۱- پیشنهاد می‌گردد که پژوهشگران در تحقیقات آتی مدل‌های دیگری غیر از مدل اهلسون را نیز برای بررسی رابطه بین ویژگیهای هیأت مدیره و مربوط بودن اطلاعات حسابداری مورد استفاده قرار دهند.
 ۲- با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، به سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان که برای تصمیم‌گیری در امر سرمایه‌گذاری و اعتباردهی باید از مربوط بودن اطلاعات حسابداری اطمینان حاصل کنند، نیز پیشنهاد می‌شود که به اندازه مؤسسه حسابرسی که یکی از عوامل موثر بر مربوط بودن اطلاعات حسابداری می‌باشد نیز توجه داشته باشند.

فهرست منابع

- ۱) نوروش، ایرج و ابراهیمی کردلر، علی. (۱۳۸۴). "بررسی و تبیین رابطه ترکیب سهامداران با تقارن اطلاعات و سودمندی معیارهای حسابداری عملکرد"، فصلنامه بررسیهای حسابداری و حسابرسی، (دوره: ۱۲، ش: ۴).
- ۲) آقایی، محمدعلی، اعتمادی، حسین، آذر، عادل و چالاکي، پری. (۱۳۸۸). "ویژگی های راهبری شرکتی و محتوای اطلاعاتی سود در بورس اوراق بهادار تهران با تاکید بر نقش مدیریت سود" فصلنامه علوم مدیریت ایران. ۱۰(۱۶): ص ۲۸-۲۰.
- ۳) حسینی، علی. (۱۳۸۸). "رابطه ترکیب هیئت مدیره و درصد مالکیت مدیران غیر موظف هیئت مدیره با محافظه کاری در حسابداری." پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- ۴) عباس زاده محمدرضا و منظرزاده، هاشم. (۱۳۹۰). "بررسی احتمال صدور گزارش مقبول حسابرسان مستقل با استفاده از خصوصیات هیئت مدیره شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه بررسیهای حسابداری و حسابرسی، (دوره: ۱۸، ش: ۶۳) ص: ۹۵-۱۱۲.
- ۵) عرب صالحی، مهدی و ضیایی، محمد علی. (۱۳۸۹). "ارتباط بین نظام راهبری و کیفیت سود در

یادداشت‌ها

- ¹.Beaver
- ².Ball & Brown
- ³.Norwani
- ⁴.Forbes & Milliken
- ⁵.Agrawal & Knoeber
- ⁶.Dalton & Dalton
- ⁷.Cai et al
- ⁸.Bradbury et al
- ⁹.Jamaluddin et al
- ¹⁰.Ohlson
- ¹¹.interaction variables
- ¹².Habib & Azim
- ¹³.Rani

- Developing Practical Prescriptions” British Journal of Management, 16, 91-97.
- 16) Forbes, D. P. and Milliken, F. J. (1999). “Cognition and Corporate Governance: Understanding Boards of Directors as Strategic Decision-Making Groups” Academy of Management Review. 24(3): 489-505.
 - 17) Habib, Ahsan and Azim, Istiaq. (2008). “Corporate governance and the value-relevance of accounting information: Evidence from Australia” Accounting Research Journal, 21(2):167 – 194.
 - 18) Jamaluddin, Mastuki and Ahmad. (2009). “Corporate Governance Reform and the Value Relevance of Equity Book Value and Earnings in Malaysia” Journal of Financial Reporting & Accounting. 7(2): 41-59.
 - 19) Norwani, Mohamad and Chek. (2011). “corporate governance failure and its impact on financial reporting within selected companies” International Journal of Business and Social Science. 21(2): 205-213.
 - 20) Osma, Beatri. (2006). “Essays on Earnings Quality, Auditor Monitoring and Corporate Governance Mechanisms” PhD thesis, Lancaster University, UK.
 - 21) Rani, Mona (2011). “The Effects of Audit Committee Characteristics on the Value Relevance of Accounting Information - Evidence from New Zealand” M.sc thesis, Auckland University of technology, Australia.
 - 22) Yermack, David (1996). “Higher market valuation of companies with a small board of directors” Journal of Financial Economics, Vol. 40: 185-211.
 - 23) Zahra and Pearce (1989). “Boards of directors and corporate financial performance” A review and integrative model, Journal of Management. 15 (2): 291-334